



بیش از ۶ میلیون قربانی کرونا

بنابر تازه‌ترین به‌روزرسانی «ورلد‌آمر» از آمار جهانی کرونا (کووید ۱۹)، مجموع موارد ابتلا در کشورهای مختلف تاکنون به ۷۰۱ میلیون و ۱۷۶ هزار و ۴۲۰ نفر رسیده و مرگ ۶ میلیون و ۹۶۵ هزار و ۱۴۶ بیمار نیز تأیید شده است. به گزارش ایسنا، همچنین آلمان با ثبت ۱۱۶ فوتی و آمریکا با بیش از ۶۰۰۰ مورد جدید ابتلا، به‌ترتیب بالاترین آمار تلفات و مبتلایان کرونایی را در شبانه‌روز گذشته گزارش کرده‌اند. در میان ۱۰ کشوری که به‌عنوان مناطقی با بالاترین آمار ابتلا در بالای جدول ورلد‌آمر جای گرفته‌اند، آمریکا همچنان با ثبت بیش از ۱۱۰ میلیون ابتلا و بیش از یک میلیون و ۱۹۱ هزار فوتی، به‌ترتیب رکورد ابتلا و مرگ‌های کرونایی را در کل دنیا دارد. پس از آمریکا، دو کشور هند و فرانسه با عبور از ۴۰ میلیون ابتلا، به‌ترتیب جایگاه دوم و سوم را به‌حفاظت آمار کل مبتلایان اشغال کرده‌اند. همچنین در فهرست آمار فوتی‌های این بیماری در حال حاضر بعد از آمریکا، برزیل با بیش از ۷۰۰ هزار فوتی و هند با بیش از ۵۰۰ هزار فوتی، بیشترین مرگ‌ومیر کرونایی را به‌ثبت رسانده‌اند.



فروش اینترنتی دارو

شهرام کلاتنری، رئیس انجمن داروسازان ایران، با تأکید بر اینکه ورود پلتفرم‌ها به فروش اینترنتی دارو لطمه بزرگی به شاکله مدیریت سلامت کشور وارد خواهد کرد، گفت: «جامعه داروسازی ایران مخالف عرضه و فروش دارو به بیمار در فضای مجازی است، اما برای کالاهای غیردارویی مانند مکمل‌های غذایی و لوازم آرایشی و بهداشتی می‌توان از بستر اینترنت استفاده کرد.» به گزارش ایسنا، او ادامه داد: «دولت نقش اصلی در حفاظت و حمایت از محرمانگی اطلاعات بیماران دارد و به‌همین جهت قانون‌گذار، عرضه اینترنتی دارو را ممنوع کرده است. از طرفی با این روش نظارت دکتر داروساز بر فرآیند ارائه دارو به بیمار از بین می‌رود و احتمال خطاهای مکرر در ارائه دارو به مصرف‌کننده نیز افزایش می‌یابد. ممکن است در این پلتفرم‌ها داروهای قاچاق، تقلبی و سقط‌جنین، فروش دارو با قیمت بالاتر و... به فروش برسد. در همین لحظه یک بازار سیاه و ناصر خسرو بسیار وسیع‌تر را در فضای مجازی شاهد هستیم که غیرقابل نظارت است.»



چهارشنبه بارانی

اداره کل هواشناسی استان تهران از بارش پراکنده در تهران از چهارشنبه ۲۰ دی‌ماه و افزایش نسبی دما تا سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه خبر داد. براساس اعلام سازمان هواشناسی استان تهران، از بعدازظهر روز چهارشنبه ۲۰ دی‌ماه تا اواخر هفته با بروز ناپایداری جوی به‌تدریج افزایش ابر، گاهی همراه با بارش پراکنده و وزش باد شدید و در ارتفاعات استان، بارش باران و برف پیش‌بینی می‌شود. براساس اعلام اداره کل هواشناسی استان تهران، توجا با کمینه دمای ۱۵- درجه سانتیگراد، سردترین ایستگاه استان تهران در ۲۴ ساعت گذشته گزارش شده است.

گزارش میدانی



عکس: ضیا طاهریان

هم‌میهن جزئیات کارتن‌خوابی و اعتیاد تعدادی از زنان بهبودیافته را روایت می‌کنند

زنانی در میان راه

هست تا از مردان دیگر در امان بمانند: «من اینطور نبودم. بین مردان می‌نشستم. اگر پول داشتم، یک‌شب جایی را اجاره می‌کردم و می‌ماندم. اگر نه، در گوشه کوچکی می‌خوابیدم. از بالای خانه‌ها رویم آب می‌ریختند، من هم شیشه‌های شان را می‌شکستم. وقتی می‌خوابیدم، لباس‌هایم را می‌زدیدند. حتی کفشم را می‌بردند. او را در یکی از طرح‌های جمع‌آوری گرفته و به کمی برده بودند. ظهر نشده، فرار کردم و سر از پارک در آوردم: «کمپ، نگهبان مسلح داشت، اما از دیوار فرار کردم. رفتم پیش خواهرم و گفتم من را بفرست کمپ. ۷ ماه آنجا بودم و بعد آمد اینجا. وقتی آمد، دیدم ترگس و مهسا هم اینجا هستند؛ مددجویانم در انبار گندم بودند.»

روز قبل، زری به‌سمت مرضیه حمله کرده بود. ترگس برای پایان درگیری آمده بود و وسط و مشت‌زنی زری خورده بود. ترگس با دست باندپیچی شده به‌صندلی تکیه داده.

مرضیه ۴۲ ساله: «دو، سه‌روز کارتن‌خوابی می‌کردم، می‌رفتم مسافر خانه. می‌توسیدم در پاتوق بخوابم که نکند سرم را ببرند. شنیده بودم برای برخی از این اتفاقات افتاده. به خیلی‌ها تجاوز می‌شد. چندین بار شده بود که چند نفر به یک‌زن حمله و به او تجاوز می‌کردند. برای زندگی، خلاف می‌کردم. خلاف یعنی جنس فروشی. تریاک و شیشه می‌فروختم و به شهرهای دیگر می‌بردم. یک‌بار با ۳۰ گرم شیشه من را گرفتند. دو سال زندان و مریم بودم. آزاد که شدم، یک‌راست رفتم خانه یک زنی در اکیاتان نشستم پای بساط. ۶ ماه و سه‌هفته در پارک زندگی کرد. ۴ سال مصرف سنگین داشت تا ۶ ماه و سه‌هفته پیش که ترک کرد. خدادادی می‌گوید که مرضیه طلاق گرفته و از خانه بیرونش کردند. حتی نمی‌تواند به شهرش برگردد. از او در پاتوق‌ها زیاد سوءاستفاده شده. حلال‌در کارگاه، خطایی می‌کند.

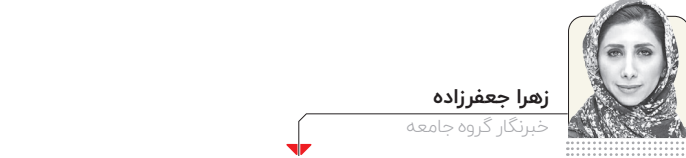
زنان در پاتوق‌ها چه حالی دارند؟ آنها در چادر و زیر پل‌ها زندگی می‌کنند. در سرما و باران و برف، پتو و کیسه پلاستیکی و مقوای روی سرشان می‌گیرند. خیلی‌ها سرمای زمستان را تحمل نمی‌کنند. نفس‌شان بالا نمی‌آید و تمام می‌کنند. مریض می‌شوند، خوددرمانی می‌کنند، بی‌پولی می‌شوند؛ زردی و تن‌فروشی می‌کنند. همه‌شان هم‌بک‌مردی کنارشان دارند تا خودشان رانجات دهند و کسی از آنها سوءاستفاده نکند.

مرضیه یک‌دوره ۲۸ روزه در کمپ را ۲۳ روز تحمل کرد و آمد بیرون؛ کمی در شهریار. نزدیک ۲۷ سال مواد کشیده و به گفته خودش این ۵ سال آخر مصرفش به بی‌نهایت رسید و دو، سه‌سال هم در منطقه خاوران کارتن‌خوابی کرد: «در تهران دره‌دری زیاد کشیدم. یکی، دو بار کمپ رفتم تا سر از اینجا در آوردم. بعد از ترک اگر یک‌روز بیرون از خانه بمانی، دوباره لغزش می‌کنی.» یک‌پسر ۲۴ ساله و یک‌دختر ۱۵

کند. «و صورتش به لب‌خندی باز می‌شود. او ۷ ماه در کمپ ماند تا سم‌زدایی کند. بعد او را به آقای حبیب بهرامی، مدیرعامل موسسه کاهش آسیب‌های سبزه‌رایی معرفی کردند. از قبل بهرامی را می‌شناخت. از آنجا هم یک‌راست به این خانه آمد: خانگی بین‌راه: «با بچه‌های شوش و مولوی در ارتباط بودم. همه من را می‌شناختند. دو، سه‌سب اولی که کارتن‌خواب شدم خیلی برایم سخت بود. شیشه می‌زدم تا خوابم نبرد. هر جا می‌رفتم دعوا می‌کردم. با مامور، معنادو... به‌من می‌گفتند مامان زری تو چرا؟ تو چرا اینجایی؟ یواش یواش برای‌شان عادی شد.»

زری می‌گوید که خواهران همسرش او را معناد کردند. همسر، راننده ماشین سنگین بود. در حال جابه‌جایی یکتن هروئین دستگیر شد و با ارتباطی که داشت، آزاد شد. زری، ۳ پسر و یک دختر دارد. وقتی همسرش را گرفتند، باردار بود: «وقتی شوهرم را گرفتند، آواره شدم. تازه فهمیده بودم باردارم. با پسر بزرگم رفتم برای زایمان. بچه که به دنیا آمد، او را بغل کردم و مستقیم رفتم پاتوق. خمار بودم. جنس می‌خواستم. خانه‌امانده ساقی تحت‌نظر بود و همان‌جا ما را گرفتند و بردند کلاتری. بچه تنگی نفس شد که خانواده‌ام را خبر کردند. بچه حالا پسر ۱۳-۱۲ ساله است که زری او را همان روز تحویل داد و آمد تهران: «۱۱ سالگی می‌شود که از خانه‌ام بیرون آمده‌ام.» او می‌گوید، در پاتوق‌ها به‌زنان تجاوز می‌شود. حامله می‌شوند و ناچار، بچه‌های‌شان را می‌فروشند: «خودم یک‌بار به بی‌زبستی زنگ زدم. وقتی صدای بچه‌ای را از داخل سطل زباله شنیدم، بچه را گذاشته بودند داخل نایلون مشکی. جفت هم داشت. آن‌سال خیلی خبری شد. بعدها شنیدم که مادر تا زایمان کرده بود بچه را انداخته بود سطل و رفته بود مواد بکشد. شیشه این کار را با آدم می‌کند.»

پاتوق‌ها برای مردان ناامن است و برای زنان ناامن‌تر: «گاهی زنان تحت‌تأثیر مواد، جلوی همه در پارک‌ها لخت می‌شوند. اصلاً نمی‌دانند چه می‌کنند. یک‌بار یکی از آنها دختر بچه ۸ ساله‌اش را آورده بود تا بدهد به ساقی؛ آن‌هم برای یک‌گرم جنس. خیلی سخت است. مردی پسر بچه ۹ ساله‌اش را برده پیش ساقی تا جنس بگیرد. پاتوق، آخر خط است: «یک‌مدت خوب پول در می‌آوردم، دستم پر بود. شب پولدار بودیم، صبح بی‌پول. می‌نشستم روی ترک‌موتور و هر چه دستم می‌آمد، می‌زدم. خیلی وقت‌ها به خانه مردم می‌رفتم برای زردی و خودشان هم در خانه بودند که خیلی اوضاع بدی می‌شد. یک‌بار جلوی در خانه‌ای من را گرفتند. کتک زدند. یک‌سال و خرده‌ای اینطور زندگی کردیم. به مامور، باج می‌دادیم، ول‌مان می‌کردند. یک‌وقت‌هایی با آنها قرار می‌گذاشتیم که پول بدهیم اما نمی‌رفتم. بی‌سیم، خاوران، پارک بعثت، ترمینال جنوب و... هیچ‌وقت بین‌زنان نمی‌رفتم.» زنان معناد در پاتوق‌ها احتیاط‌هایی را دارند. یکی مثل همسر کنارشان



زهرا جعفرزاده

خبرنگار گروه جامعه

۵ زن کنار هم نشستند و زندگی‌شان را روایت کردند. ۵ زن بهبودیافته از کارتن‌خوابی و اعتیاد. آنها در شوش، خاوران، سرخه حصار و... بی‌خانمانی کشیده‌اند. سراز کمپ‌ها و شلترها در آورده‌اند. موادفروشی و زردی کرده‌اند و حلال‌در خانه‌ای میان راه آرام گرفته‌اند. خانه «نیمه‌راه» زنان زیرنظر موسسه کاهش آسیب‌های سبزه‌رایی فعال است.

مامان زری ۴۶ ساله: «شب اول سخت بود. بسیار سخت بود.» دو بار تکرار می‌کند: «اصلاً نمی‌دانستم چه کنم. کجا بروم. وسط هر جمعی که شلوغ بود، می‌رفتم و می‌نشستم. اولین شب، سرد بود. زمستان بود. بساط آتشی دیدم. شلوغ بود. رفتم و میان‌شان نشستم. شب‌های شوش پر از این پاتوق‌هاست. «مامان زری ۴۶ ساله، آخرین بار وقتی پسرش را به‌دست برادر سپرد و راهی شهرستان کرد، لغزید. یک‌سال و نیم بیرون از شلتر ماند و ۶ ماه کارتن‌خوابی کرد.»

ضایعات جمع می‌کردم. زردی می‌کردم. همه کاری کردم جز تن‌فروشی. می‌رفتم خانه مردم برای زردی. گوشه می‌زدیم و می‌بردم مولوی می‌فروختم. **چندمی فروختی؟** بد نبود اما گوشه‌های آیفون خیلی سخت فروش می‌رفت، ۵-۶ میلیون تومان بیشتر برش نمی‌داشتند. مامان زری را خواهرش به کمپ معرفی کرد؛ کمپی در ماهدشت کرج. او ۱۴ سال پیش پاک بود و به یکی از مراکز توانمندسازی بهبودیافته‌ها منتقل شده بود. بعدتر در شلتر انبار گندم شوش، مدیر داخلی شد. ۱۰ سال و ۷ ماه بعد اما لغزید: «وقتی لغزش کردم، از شلتر زدم بیرون. اصلاً رویم نمی‌شد برگردم. به‌من گفتند، برو پاک شو و برگرد. در آن یک‌سال و دو، سه‌ماه همه‌چی زدم. شیشه، کوک، هروئین، گل، حشیش. عرق هم می‌خوردم. هر چه دستم می‌آمد، می‌زدم. اصلاً برابرم نبود.»

مامان زری، صبح تا شب زمزمه می‌کند: «چرا زدی؟ چرا دوباره زدی؟». خدادادی می‌داند که «زری، پیشمان است که چرا بعد از ۱۰ سال پاک، به این روز افتاد. اما خودش می‌داند چطور حالش را خوب